

## مقاله اصلی

# مدل یابی رشد پس از آسیب بر مبنای حمایت اجتماعی ادراک شده: نقش میانجی ابرازگری هیجانی در مردان دارای تجربه طلاق

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۲

### خلاصه

**مقدمه:** طلاق به عنوان یکی از پر تنش ترین رویدادهای زندگی، به ویژه برای مردان، پیامدهای روان‌شناختی و اجتماعی گسترده‌ای به همراه دارد. از این‌رو هدف پژوهش حاضر، مدل یابی رشد پس از آسیب بر اساس حمایت اجتماعی ادراک شده با میانجی‌گری ابرازگری هیجانی در مردان دارای تجربه طلاق بود.

**روش کار:** پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل مردان دارای تجربه طلاق ساکن شهر بابل در سال ۱۴۰۴ بود که تعداد ۲۴۲ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده شامل پرسش‌نامه‌های رشد پس از سانحه تدسجی و کالهنون (۱۹۹۶) حمایت اجتماعی ادراک شده زیمت و همکاران (۱۹۸۸) و ابرازگری هیجانی کینگ و امونز (۱۹۹۰) بود. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار آماری و از طریق ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** یافته‌ها نشان داد حمایت اجتماعی ادراک شده تأثیر مثبت و معناداری بر ابرازگری هیجانی دارد ( $\beta = 0.38, P < 0.01$ ). همچنین ابرازگری هیجانی رشد پس از آسیب را به طور مثبت پیش‌بینی می‌کند ( $\beta = 0.18, P < 0.01$ ) و حمایت اجتماعی ادراک شده دارای اثر مستقیم مثبت بر رشد پس از آسیب است ( $\beta = 0.57, P < 0.01$ ).

**نتیجه‌گیری:** نتایج تحلیل مسیر نشان داد ابرازگری هیجانی نقش میانجی معناداری در رابطه بین حمایت اجتماعی ادراک شده و رشد پس از آسیب ایفا می‌کند و مدل پژوهش از برازش مناسبی برخوردار است. یافته‌های این پژوهش بر اهمیت نقش حمایت اجتماعی و ابراز هیجان در فرآیند سازگاری روان‌شناختی و ارتقاء رشد پس از آسیب در مردان دارای تجربه طلاق تأکید دارد.

**کلمات کلیدی:** رشد پس از آسیب، حمایت اجتماعی ادراک شده، ابرازگری هیجانی، مردان دارای تجربه طلاق

سیده نفیسه محسنی منصور<sup>۱</sup>

نوشیروان خضری مقدم<sup>۲\*</sup>

سیده حکیمه موسوی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد، گروه روان‌شناسی بالینی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> دانشیار، گروه روان‌شناسی بالینی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> استادیار، گروه روان‌شناسی بالینی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: Khezri@srbiau.ac.ir

## مقدمه

طلاق یک دگرگونی اساسی در ساختار خانواده به‌شمار می‌آید که می‌تواند پیامدهای گسترده و عمیقی بر وضعیت روانی و هیجانی همه اعضای خانواده برجای بگذارد (۱). این دوره معمولاً با مجموعه‌ای از واکنش‌های هیجانی پیچیده، از جمله اندوه، خشم، اضطراب و حتی تجربه‌ی نوعی سردرگمی شناختی یا هیجانی همراه است (۲). این اتفاق نه تنها جنبه‌های مثبت و منفی حیات فردی را دستخوش تغییر می‌سازد، بلکه اثرات عمیقی بر وجوه شخصی و اجتماعی انسان بر جای می‌گذارد (۳). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که طلاق یکی از مهم‌ترین عوامل فشار روانی در طول چرخه زندگی است و می‌تواند تحولات گسترده‌ای در ابعاد روانی و اجتماعی فرد ایجاد کند با وجود این اغلب پژوهش‌های گذشته بر زنان و کودکان متمرکز بوده و تجربیات مردان کمتر مورد بررسی قرار گرفته است (۴). مردان معمولاً در فرآیند طلاق بیش از زنان با مشکلات روانی نظیر افسردگی، اندوه، اضطراب، احساس گناه، خشم و انزوای اجتماعی مواجه می‌شوند (۵).

در عین حال، تجربه طلاق می‌تواند زمینه‌ساز رشد و تحول فردی باشد؛ رشدی که به بازنگری در نگرش نسبت به خود و زندگی منتهی می‌شود و در ادبیات روان‌شناسی با عنوان رشد پس از آسیب<sup>۱</sup> شناخته می‌شود (۶). این مفهوم که نخستین بار توسط تدسچی و کالهن<sup>۲</sup> معرفی گردید، به فرآیند تغییر مثبت روانی در مواجهه با بحران اشاره دارد (۷). رشد پس از آسیب شامل دگرگونی‌هایی سازنده در روابط بین فردی، معنا و ارزش زندگی، و بهبود عملکرد

روانی و اجتماعی است (۸). در این راستا، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ارتباط مثبتی میان رشد پس از آسیب، ابعاد رشد فردی، بهزیستی روانی و عزت نفس وجود دارد (۹). هم‌چنین پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عوامل گوناگونی نظیر مواجهه سازنده با رنج، پذیرش درد، معنویت، عشق به فرزندان، منابع حمایتی، ویژگی‌های شخصیتی، و پیشینه خانوادگی و تحصیلی می‌توانند در بروز شکوفایی پس از طلاق نقش داشته باشند (۱۰). یکی از عواملی که می‌تواند در رشد پس از آسیب اثرگذار باشد، حمایت اجتماعی ادراک‌شده<sup>۳</sup> است (۱۱). شواهد پژوهشی نشان می‌دهد حمایت اجتماعی ادراک‌شده یکی از عوامل کلیدی در تقویت رابطه بین تجربه تروما و رشد پس از آسیب است (۱۲). این حمایت به احساس حضور خانواده، دوستان و افراد مهم دیگری اشاره دارد که نقش بنیادی در سلامت روان ایفا می‌کنند (۱۳). در واقع، حمایت اجتماعی قدرتمندترین سازوکار مقابله‌ای در دوران فشار روانی محسوب می‌شود و به فرد کمک می‌کند تا با موفقیت از شرایط بحرانی عبور کند (۱۴). این نوع حمایت شامل جنبه‌های اطلاعاتی، روانی و جسمی است و بیانگر باور فرد به وجود یک شبکه اجتماعی قابل اعتماد و پشتیبان می‌باشد (۱۵). حمایت اجتماعی به دو صورت حمایت اجتماعی دریافت شده و ادراک شده مورد مطالعه قرار گرفت. در حمایت اجتماعی دریافت شده میزان حمایت‌های کسب شده توسط فرد مورد تأکید است و در حمایت اجتماعی ادراک شده ارزیابی فرد از در دسترس بودن حمایت‌ها در موقع لزوم بررسی می‌شود (۱۶). افراد با حمایت اجتماعی ادراک‌شده بالا، خود را جزئی از شبکه اجتماعی خانواده، دوستان یا سازمان‌های اجتماعی می‌دانند (۱۷). به عقیده

<sup>1</sup> Post Traumatic Growth; PTG

<sup>2</sup> Tedeschi & Calhoun

<sup>3</sup> perceived social support

صاحب‌نظران حمایت اجتماعی ادراک‌شده به‌عنوان واسطه‌ای میان عوامل استرس‌زا و بهزیستی روانشناختی عمل می‌کند و منجر به کاهش تنش، افزایش بهزیستی، بهبود کیفیت زندگی و رضایت از زندگی می‌شود (۱۸). در همین راستا، مدل شکوفایی از طریق روابط<sup>۱</sup> بر نقش شبکه حمایتی امن تأکید دارد؛ به‌گونه‌ای که روابط مثبت، امکان بروز هیجانات و پذیرش احساسات منفی را فراهم می‌آورند و به بازسازی تجارب آسیب‌زا کمک می‌کنند (۱۹).

تحقیقات نشان داده‌اند که حمایت اجتماعی نه‌تنها به‌طور مستقیم، بلکه از طریق متغیرهای میانجی چون باور به دنیای عادلانه، معنای زندگی و تاب‌آوری، می‌تواند رشد پس از آسیب را پیش‌بینی کند (۲۰، ۲۱). با این حال، رابطه میان رشد پس از آسیب و حمایت اجتماعی ادراک‌شده ممکن است به‌طور مستقیم برقرار نباشد، بلکه تحت تأثیر عوامل میانجی از جمله ابرازگری هیجانی<sup>۲</sup> شکل گیرد. ابرازگری هیجانی به بیان آگاهانه احساسات از طریق وسایل کلامی و غیرکلامی اشاره دارد و یکی از اجزای اساسی در فرایند تنظیم هیجان محسوب می‌شود. این توانایی، فارغ از مثبت یا منفی بودن احساسات، به فرد امکان می‌دهد هیجانات خود را در قالب روابط اجتماعی سالم‌تر و سازنده‌تر بازنمایی کند (۲۲). کینگ و امونز<sup>۳</sup> (۱۹۹۰) سه بعد اصلی برای ابراز هیجان معرفی کرده‌اند: ابراز هیجان مثبت، ابراز صمیمیت، و ابراز هیجان منفی (۲۳). در این حوزه نیز مطالعات متعددی انجام شده است. برای مثال، نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد که تقویت ابرازگری هیجانی مثبت و تنظیم هیجان مثبت می‌تواند رشد پس از آسیب را به‌طور قابل‌توجهی

ارتقا دهد (۲۴). همچنین، یافته‌های تحقیق دیگری حاکی از آن است که حمایت اجتماعی ادراک‌شده و شبکه‌های شناختی تنظیم هیجان قادرند بهزیستی روان‌شناختی افراد را پیش‌بینی کنند و نقش مهمی در حفظ و ارتقای سلامت روان ایفا نمایند (۲۵). طلاق در ایران به عنوان پدیده‌ای رو به گسترش، ابعاد روانی و اجتماعی نگران‌کننده‌ای دارد. طبق آمار رسمی، تعداد طلاق‌ها از حدود ۶۰ هزار مورد در سال ۱۳۸۰ به بیش از ۲۰۱ هزار مورد در سال ۱۴۰۰ افزایش یافته و در پنج‌ماهه نخست سال ۱۴۰۲ نسبت طلاق به ازدواج به ۵۰ درصد رسیده است (۲۶). این واقعیت افزون بر پیامدهای فردی، آثار اجتماعی و اقتصادی قابل توجهی نیز به‌دنبال دارد. تجربه طلاق برای مردان معمولاً با کاهش عملکرد روانی و اجتماعی و تحمیل هزینه‌های گسترده بر جامعه همراه است (۲۷). در بافت فرهنگی ایران، وجود محدودیت‌های اجتماعی در ابراز احساسات، دریافت حمایت روانی و اجتماعی مردان را دشوار کرده و در نتیجه آسیب‌پذیری آنان را در برابر پیامدهای طلاق افزایش می‌دهد (۲۸). این رویداد تروماتیک می‌تواند نقش مؤثر مردان را در خانواده، محیط کار و اجتماع تضعیف کرده و پیامدهای روانی-اجتماعی سنگینی بر جای گذارد. بیشتر مطالعات موجود تمرکز خود را بر جنبه‌های منفی طلاق معطوف کرده‌اند و کمتر به ابعاد رشدی و تحولی آن پرداخته‌اند. همچنین، پژوهش‌های اندکی به بررسی نقش حمایت اجتماعی و ابرازگری هیجانی به‌عنوان عوامل کلیدی و تأثیر آن‌ها بر رشد پس از آسیب در مردان ایرانی اختصاص یافته‌اند (۲۹).

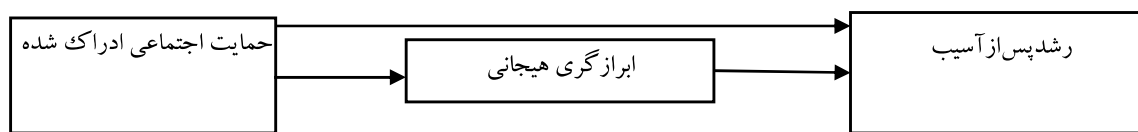
<sup>1</sup> Model of Thriving Through Relationships

<sup>2</sup> Emotional Expression

<sup>3</sup> King & Emmons

می‌تواند روابط میان آن‌ها را روشن کرده و به طراحی مداخلات مؤثر روان‌شناختی و اجتماعی کمک کند. در همین راستا، پژوهش حاضر با هدف مدل‌یابی رشد پس از آسیب بر اساس حمایت اجتماعی ادراک‌شده با میانجی‌گری ابرازگری هیجانی در مردان دارای تجربه طلاق انجام شد. مدل اولیه پژوهش در شکل (۱) ارائه شده است.

ضرورت این پژوهش در شناسایی چالش‌های روانی-اجتماعی مردان مطلقه و تدوین برنامه‌های حمایتی هدفمند برای کاهش اثرات منفی طلاق و کاهش انگ و تبعیض اجتماعی نهفته است. با وجود مطالعات متعدد، هنوز شکاف قابل توجهی در درک رشد پس از آسیب در مردان ایرانی وجود دارد. بررسی این متغیرها از طریق تحلیل مسیر



شکل ۱- مدل پیشنهادی روابط بین متغیرهای پژوهش

رشد پس از آسیب (متغیر ملاک)، حمایت اجتماعی ادراک شده (متغیر پیش‌بین)، ابرازگری هیجانی (متغیر میانجی)

## روش کار

(۱۹۸۸) استفاده شد؛ براساس نظر کوهن اندازه اثر شاخصی است که قدرت اثرگذاری متغیرهای مستقل مدل را نشان می‌دهد. میزان این شاخص به ترتیب ۰/۰۲ (ضعیف) ۰/۱۵ (متوسط) و ۰/۳۵ (قوی) می‌باشد (۳۰). با در نظر گرفتن اندازه اثر متوسط ۰/۱۵، توان آماری ۰/۸، چهار متغیر پنهان و سطح اطمینان ۹۵ درصد، حجم نمونه ۲۲۵ نفر برآورد گردید. در مرحله غربال‌گری اولیه، ۲۶۶ نفر وارد مطالعه شدند که پس از حذف ۲۴ نفر به دلیل عدم احراز شرایط، تعداد ۲۴۲ نفر وارد تحلیل شدند. معیارهای ورود شامل: سن بین ۳۰ تا ۵۰ سال (متولدین ۱۳۵۴ تا ۱۳۷۴)، حداقل تحصیلات، سوم راهنمایی (سیکل اول متوسطه)، تجربه حداقل یک و حداکثر دو طلاق، عدم ابتلا به اختلالات روان‌پزشکی تشخیص داده شده (به صورت خوداظهاری)، عدم مصرف داروهای روان‌پزشکی (به صورت

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و نوع داده‌ها، کمی است. از نظر طرح پژوهش، مطالعه حاضر توصیفی از نوع همبستگی است که با رویکرد تحلیل مسیر انجام شده است. کد اخلاق این مطالعه (IR. IAU. SRB. REC. 1404. 135) از کمیته اخلاق پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران اخذ شد. گردآوری داده‌ها جهت پاسخ به سؤالات پژوهش به روش پرسشنامه‌ای انجام شد و مرور پیشینه و مبانی نظری به صورت کتابخانه‌ای صورت گرفت. جامعه آماری این پژوهش شامل مردان دارای تجربه طلاق ساکن شهر بابل در سال ۱۴۰۴ بود. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند و بر اساس معیارهای ورود و خروج انجام شد. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوهن<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> Cohen

خوداظهاری)، گذشت حداقل یک سال از زمان طلاق بود. معیارهای خروج شامل: عدم تکمیل یا ارائه اطلاعات نادرست در پرسشنامه (سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، اختلالات روان پزشکی، مصرف دارو، سابقه طلاق)، تغییر شرایط فردی در طول پژوهش (مانند ازدواج مجدد)، انصراف از ادامه همکاری در هر مرحله بوده است. شیوه اجرا به صورت آنلاین از طریق سامانه پرس لاین انجام شد. لینک پرسشنامه در شبکه‌های اجتماعی رایج شهر بابل (اینستاگرام، تلگرام، واتساپ و...) منتشر گردید. پیش از شروع جمع‌آوری داده‌ها، توضیحات لازم درباره اهداف پژوهش، مراحل اجرا، محرمانه‌بودن اطلاعات و داوطلبانه‌بودن مشارکت به شرکت‌کنندگان ارائه و رضایت آگاهانه آنان اخذ شد. شرکت‌کنندگان آگاه شدند که می‌توانند در هر مرحله بدون هیچ‌گونه پیامد منفی از ادامه همکاری انصراف دهند. کلیه داده‌ها به صورت محرمانه نگهداری شد و هیچ‌گونه اطلاعات هویتی در گزارش نهایی منتشر نشد. این پژوهش پس از اخذ مجوز از کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران اجرا شد و در نسخه آنلاین پرسشنامه نیز بیانیه رضایت آگاهانه پیش از ورود به سؤالات درج و تأیید شرکت‌کنندگان دریافت گردید. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه جمعیت‌شناختی (سن، تحصیلات، تعداد طلاق، مدت‌زمان از طلاق، وضعیت روان پزشکی، مصرف دارو) و سه ابزار استاندارد زیر جمع‌آوری شد:

#### ۱- پرسش‌نامه رشد پس از آسیب (PTGQ)<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> Posttraumatic Growth Questionnaire

این پرسش‌نامه توسط تدسچی و کالهن (۱۹۹۶) طراحی شده، با ۲۱ گویه، با هدف سنجش میزان تغییرات مثبت روان‌شناختی افراد پس از تجربه رویدادهای آسیب‌زا یا استرس‌زای شدید به کار می‌رود و پنج مؤلفه: موقعیت‌های جدید (۵ سؤال)، ارتباط با دیگران (۷ سؤال)، قدرت شخصی (۴ سؤال)، قدردانی از زندگی (۳ سؤال)، و تغییرات معنوی (۲ سؤال) را می‌سنجد. بر اساس طیف شش درجه‌ای لیکرت (هرگز با نمره ۰ تا خیلی زیاد با نمره ۵) درجه‌بندی شده است. دامنه نمرات بین ۰ تا ۱۰۵ است. سازندگان با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، ۵ مؤلفه پرسش‌نامه را تأیید کرده‌اند. همچنین، همسانی درونی آزمون را با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ و اعتبار دوماهه بازآزمایی آن را ۰/۷۱ گزارش کردند. (۳۱). در ایران، این ابزار توسط محمودی و همکاران (۲۰۱۳) اعتباریابی شد. ضریب آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۹۱ گزارش شد و روایی صوری و محتوایی تأیید شد (۳۲). در این پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه برابر با ۰/۹۸ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی بسیار بالاست.

#### ۲- پرسش‌نامه حمایت اجتماعی ادراک شده (MSPSS)<sup>۲</sup>

زیمت<sup>۳</sup> و همکاران (۱۹۸۸) این پرسش‌نامه را طراحی کردند و مشتمل بر ۱۲ گویه است. هدف این پرسش‌نامه سنجش میزان حمایت اجتماعی ادراک‌شده فرد از منابع مختلف زندگی اوست؛ یعنی اینکه فرد تا چه حد احساس می‌کند از

<sup>۲</sup> Multidimensional Scale of Perceived Social Support

<sup>۳</sup> Zimet

کرینگ<sup>۳</sup> و همکاران (۱۹۹۴) ضریب آلفای کرونباخ را برای کل مقیاس ۰/۷۰ و برای خرده مقیاس‌های ابرازگری هیجانی و مقیاس هیجان مثبت، همبستگی مثبت یافتند (۳۶). در ایران، این پرسش‌نامه توسط طباطبایی و همکاران (۲۰۱۳) اعتباریابی شد. آلفای کرونباخ برای ابراز هیجان مثبت، ابراز صمیمیت و ابراز هیجان منفی به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۶۵، ۰/۵۹ و ۰/۶۸ بود و روایی محتوایی رضایت‌بخش اعلام شد (۳۷). در این پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه برابر با ۰/۶۶ به دست آمد که بیانگر همسانی درونی نسبتاً قابل قبول گوید؛ این سطح از پایایی با ماهیت سازه‌های هیجانی و نتایج مطالعات پیشین هم‌راستا است.

در این پژوهش داده‌های جمع‌آوری شده، با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۷ و AMOS نسخه ۲۴ در دو شکل توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شد. در بخش توصیفی متغیرهای جمعیت شناختی از لحاظ (میانگین، انحراف استاندارد، کجی و کشیدگی) و در بخش استنباطی ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر با رعایت پیش‌فرض‌های آزمون‌های پارامتریک بود. سطح معنی‌داری در آزمون‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

### نتایج

نمونه‌نهایی پژوهش شامل ۲۴۲ مرد مطلقه در بازه سنی ۳۰ تا ۵۰ سال بود. بیشترین تعداد شرکت‌کنندگان در گروه سنی ۳۰ تا ۳۵ سال قرار داشتند (۳۸/۸ درصد؛ ۹۴ نفر) و پس از آن گروه‌های ۳۶ تا ۴۰ سال (۳۰/۶ درصد؛ ۷۴ نفر)، ۴۱ تا

سوی اطرفیانش مورد حمایت عاطفی و اجتماعی قرار دارد. که شامل سه مؤلفه حمایت اجتماعی ادراک شده از سوی خانواده (۴ سؤال)، از سوی افراد مهم (۴ سؤال) و از سوی دوستان (۴ سؤال) است. بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (به شدت مخالف با نمره ۱ تا، به شدت موافق با نمره ۵) درجه بندی شده‌اند. دامنه نمرات این مقیاس ۱۲ الی ۶۰ است (۳۳). ادواردز<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۴) پایایی درونی این ابزار را در یک نمونه ۷۸۸ نفری از جوانان دبیرستان با استفاده از آلفای کرونباخ ۹۰ تا ۸۶ درصد برای خرده مقیاس‌های این ابزار و ۸۶ درصد برای کل ابزار گزارش نموده‌اند (۳۴). در نسخه‌ی ایرانی، جوکار و همکاران (۲۰۱۰) ضریب آلفای کرونباخ را برای سه بعد خانواده، دوستان و افراد مهم به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۶ و ۰/۸۲ ذکر نموده‌اند و روایی سازه ابزار مورد تأیید قرار گرفت (۳۵). در این پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه برابر با ۰/۹۵ به دست آمد که حاکی از پایایی بسیار مناسب است.

### ۳- پرسش‌نامه ابرازگری هیجانی (EEQ)<sup>۲</sup>

کینگ و امونز (۱۹۹۰) این پرسش‌نامه را طراحی کرده‌اند. پرسش‌نامه ابرازگری هیجانی مشتمل بر ۱۶ گویه و سه مؤلفه ابرازگری هیجان مثبت (۷ سؤال)، ابراز صمیمیت (۵ سؤال) و ابراز هیجان منفی (۴ سؤال) را می‌سنجد. بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم با نمره ۱ تا کاملاً موافقم با نمره ۵) درجه بندی شده‌اند. روش نمره‌گذاری سوالات ۷، ۸، ۹ معکوس است. نمره کل فرد بین ۱۹ تا ۸۰ است (۲۳).

<sup>۱</sup> Edwards

<sup>۲</sup> Emotional Expressivity Questionnaire

<sup>۳</sup>Kring

۴۵ سال (۱۸/۶ درصد؛ ۴۵ نفر) و در نهایت ۴۶ تا ۵۰ سال (۱۲ درصد؛ ۲۹ نفر) قرار گرفتند. این الگو نشان می‌دهد که بخش عمده نمونه را افراد میانسال جوان تشکیل داده‌اند. از نظر تحصیلات، توزیع شرکت کنندگان متنوع بود. کمترین فراوانی به گروه دارای تحصیلات تا سوم راهنمایی اختصاص داشت (۲/۸ درصد؛ ۷ نفر) و بیشترین به دارندگان مدرک فوق لیسانس (۲۷/۲ درصد؛ ۶۶ نفر) تعلق گرفت. سایر سطوح تحصیلی به ترتیب شامل زیر دیپلم (۷ درصد؛ ۱۷ نفر)، دیپلم (۱۷/۳ درصد؛ ۴۲ نفر)، فوق دیپلم (۱۱/۵ درصد؛ ۲۸ نفر)، لیسانس (۲۶/۸ درصد؛ ۶۵ نفر) و دکتری (۷ درصد؛ ۱۷ نفر) بودند. این پراکندگی نشان می‌دهد که اکثریت نمونه از تحصیلات دانشگاهی برخوردار بوده‌اند. بررسی تعداد دفعات تجربه طلاق بیانگر آن بود که اکثریت

قاطع (۹۱/۸ درصد؛ ۲۲۲ نفر) تنها یک بار طلاق را تجربه کرده‌اند و تنها ۸/۲ درصد (۲۰ نفر) سابقه دو بار طلاق داشتند؛ موضوعی که می‌تواند بر نوع تجربه و بازسازی روانی پس از جدایی تأثیرگذار باشد. در خصوص مدت زمان سپری شده از طلاق، نتایج نشان داد ۹/۵ درصد (۲۳ نفر) کمتر از یک سال، ۳۳/۴ درصد (۸۱ نفر) بین یک تا دو سال، ۱۹/۴ درصد (۴۷ نفر) بین دو تا سه سال و ۳۷/۶ درصد (۹۱ نفر) بیش از سه سال از زمان طلاقشان می‌گذرد. این توزیع گویای آن است که بیش از نیمی از نمونه، تجربه جدایی را در بازه زمانی بیش از دو سال گذشته پشت سر گذاشته‌اند. در جدول ۱، شاخص‌های آماری پایه برای متغیرهای پژوهش ارائه شده‌اند.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

مقیاس	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی (کجی)	کشیدگی
۱ رشد پس از آسیب	۶۱/۳۹	۳۳/۱۴	-۱/۰۲	-۰/۲۵
۲ حمایت اجتماعی ادراک شده	۴۲/۹۵	۱۰/۵۱	-۰/۳۵	-۰/۳۸
۳ ابرازگری هیجانی	۵۵/۳۷	۶/۹۰	۳/۲۰	-۰/۶۱

پیش از اجرای آزمون فرضیه‌ها، مفروضه‌های اصلی تحلیل مسیر به منظور اطمینان از دقت و اعتبار نتایج بررسی شد. در گام نخست، وضعیت داده‌های گمشده ارزیابی گردید. برای جلوگیری از حذف نمونه‌ها و کاهش توان آماری، مقادیر ناقص با میانگین همان متغیر جایگزین شد. در ادامه، داده‌های پرت با استفاده از نمره‌های  $Z$  در دامنه  $\pm 3$  انحراف معیار شناسایی شدند. بررسی‌ها نشان داد که هیچ موردی خارج از این دامنه نبود، بنابراین تمام داده‌ها در تحلیل باقی ماندند. برای آزمون نرمال بودن، از شاخص‌های چولگی و کشیدگی بهره گرفته شد. نتایج نشان داد که مقادیر چولگی و کشیدگی برای رشد پس از آسیب و حمایت اجتماعی

ادراک شده کمتر از ۲ و در محدوده قابل قبول بودند. تنها متغیر ابرازگری هیجانی دارای چولگی بالاتر از ۲ بود، که نشان‌دهنده اندکی انحراف از نرمال بودن است؛ با این وجود، به دلیل حجم مناسب نمونه (۲۴۲ نفر) و استفاده از رویکردهای مقاوم نظیر بوت‌استرپ، داده‌های آن در تحلیل حفظ شد. بررسی تکمیلی با آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نیز این نتایج را تأیید کرد؛ به طوری که سطح معناداری برای رشد پس از آسیب برابر با ۰/۱۷، حمایت اجتماعی ادراک شده ۰/۴۶ و ابرازگری هیجانی ۰/۲۰ بود (همگی بیش از ۰/۰۵)، که نشان‌دهنده نزدیکی توزیع متغیرها به نرمال است. در بررسی هم‌خطی چندگانه، مقادیر

تولرانس برای حمایت اجتماعی ادراک شده ۰/۵۸۳ و ابرازگری هیجانی ۰/۷۵۸ به دست آمد و شاخص VIF نیز به ترتیب برابر ۱/۷۱ و ۱/۲۷ بود. این مقادیر بیانگر نبود مشکل جدی هم‌خطی در مدل هستند. همچنین، آزمون دوربین-واتسون با مقدار ۱/۸۳، استقلال خطاها را تأیید کرد. بنابراین تمامی پیش‌فرض‌های لازم برای تحلیل مسیر، همبستگی و رگرسیون برقرار بوده و داده‌ها آماده ورود به تحلیل‌های استنباطی هستند. به‌منظور بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج در جدول ۲ ارائه شده‌اند.

جدول ۲- ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳
رشدپس‌ازآسیب	۱		

حمایت اجتماعی ادراک شده ۰/۷۳\*\* و ابرازگری هیجانی ۰/۴۰\*\* و ۰/۳۸\*\*  
 $P < 0.05$  \*  
 $P < 0.01$  \*\*  
 بر اساس جدول ۲، بین متغیرهای رشدپس‌ازآسیب و حمایت اجتماعی ادراک شده رابطه‌ی مثبت و معنادار مشاهده شد (\*\* $r = 0.73$ ،  $p < 0.01$ ). همچنین، رابطه‌ی رشدپس‌ازآسیب با ابرازگری هیجانی نیز مثبت و معنادار بود (\*\* $r = 0.40$ ،  $p < 0.01$ ) و رابطه بین حمایت اجتماعی ادراک شده با ابرازگری هیجانی مثبت و معنادار بود (\*\* $r = 0.38$ ،  $p < 0.01$ ). به‌منظور ارزیابی برازش مدل پیشنهادی پژوهش، شاخص‌های برازندگی محاسبه شد که نتایج در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- شاخص‌های برازش مدل پژوهش

شاخص‌های برازندگی	$\chi^2$	Df	$\chi^2/df$	GFI	AGFI	CFI	RMSEA
مدل پژوهش	۰/۱۰	۱	۰/۱	۱/۰۰	۰/۹۹	۱/۰۰	۰/۰۱
دامنه‌مورد قبول	-	-	زیر ۳	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	< ۰/۰۸

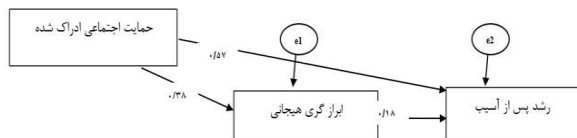
می‌کند ( $\beta=0/18, P < 0/01$ ). حمایت اجتماعی ادراک شده نیز اثر مستقیم مثبت و قابل توجهی بر رشد پس از آسیب دارد ( $P < 0/01$ )<sup>۱</sup> شده است. نتایج آزمون اثرات غیرمستقیم در جدول ۵ ارائه شده است.

**جدول ۵- برآورد مسیرهای غیرمستقیم موجود در مدل با استفاده از بوت‌استرپ**

مسیر	مقدار حد	حد	معناداری
متغیر پیش‌بین	متغیر واسطه	متغیر ملاک	برآورد بالا پائین
حمایت اجتماعی ادراک شده	ابرازگری هیجانی	رشد پس از آسیب	۰/۰۷ ۰/۱۰ ۰/۰۳ ۰/۰۱

\*  $P < 0/05$  \*\*  $P < 0/01$

نتایج آزمون اثرات غیرمستقیم با روش بوت‌استرپ نشان داد اثر حمایت اجتماعی ادراک شده بر رشد پس از آسیب از طریق ابرازگری هیجانی ( $\beta=0/07, P < 0/01$ ) معنادار بود. نمودار مسیر مدل برازش شده به همراه پارامترهای برآورد شده در شکل (۲) ارائه شده است.



شکل ۲. مدل نهایی پژوهش با نرم افزار ایموس

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مدل‌یابی رشد پس از آسیب بر اساس حمایت اجتماعی ادراک شده با میانجی‌گری ابرازگری هیجانی در مردان دارای تجربه طلاق انجام شد. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که بین حمایت اجتماعی ادراک شده و رشد پس از آسیب،

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، برازش مدل مفهومی پژوهش با تحلیل مسیر ارزیابی شد. نتایج نشان داد شاخص‌ها در محدوده قابل قبولی می‌باشند؛ نسبت کای دو به درجه آزادی ( $\chi^2/df$ )<sup>۱</sup> برابر با ۰/۱، شاخص برازش تطبیقی (CFI)<sup>۲</sup> و شاخص نیکویی برازش (GFI)<sup>۳</sup> هر دو برابر با ۱/۰۰، شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)<sup>۴</sup> برابر با ۰/۹۹ و ریشه دوم میانگین مجذورات خطای تقریبی (RMSEA)<sup>۵</sup> برابر با ۰/۰۱ می‌باشند که همگی بیانگر برازش مطلوب مدل پژوهش با داده‌هاست. در جدول ۴، ضرایب مسیرهای مستقیم مدل پژوهش گزارش شده است. برای آزمون فرضیه‌ها مبنی بر وجود رابطه‌ی بین متغیرهای پژوهش، از روش تحلیل مسیر استفاده شد.

**جدول ۴- بررسی اثرات مستقیم متغیرهای پژوهش**

متغیرهای پژوهش	B	$\beta$	S. E	T	P
حمایت اجتماعی ادراک شده ← ابرازگری هیجانی	۰/۲۵	۰/۳۸	۰/۰۳	۶/۹۷	۰/۰۱
ابرازگری هیجانی ← رشد پس از آسیب	۰/۹۱	۰/۱۸	۰/۲۰	۴/۵۳	۰/۰۱
حمایت اجتماعی ادراک شده ← رشد پس از آسیب	۱/۸۱	۰/۵۷	۰/۱۵	۱۲/۰۷	۰/۰۱

حمایت اجتماعی ادراک شده تأثیر مثبت و معناداری بر ابرازگری هیجانی دارد ( $\beta=0/38, P < 0/01$ ). همچنین ابرازگری هیجانی به طور مثبت و معنادار رشد پس از آسیب را پیش‌بینی

<sup>۱</sup> Chi-square to Degrees of Freedom Ratio

<sup>۲</sup> Comparative Fit Index

<sup>۳</sup> Goodness of Fit Index

<sup>۴</sup> Adjusted Goodness of Fit Index

<sup>۵</sup> Root Mean Square Error of Approximation

گزارش کرده‌اند، نیز همسو است (۴۲). در مقابل، این یافته با پژوهش نیکوگفتار و شورانگیز (۱۴۰۱) که رابطه منفی بین ابراز احساسات و رشد پس از آسیب را گزارش کردند و به پیچیدگی نقش ابرازگری هیجانی در بافت‌های گوناگون اشاره داشتند، ناهمسو است (۴۳). حمایت اجتماعی از طریق فراهم‌سازی منابع عاطفی و ابزاری، بستری امن و پذیرنده برای بیان احساسات ایجاد می‌کند؛ به‌ویژه در بافت طلاق، چنین حمایتی با کاهش تجربیات تنهایی و ترس از ارزیابی منفی، امکان ابراز هیجان‌های نظیر اندوه یا خشم را تسهیل می‌سازد. نظریه ابرازگری هیجانی بر نقش بیان احساسات در تنظیم هیجان و بهبود سلامت روان تأکید دارد (۲۲، ۴۴)، و طبق اصول نظریه ACT<sup>۴</sup>، حمایت اجتماعی با افزایش انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، پذیرش هیجان‌های دشوار را امکان‌پذیر می‌کند (۴۵)، همچنین از منظر نظریه رشد پس از آسیب، بیان هیجان در بازسازی طرحواره‌ها و بازمعناسازی تجربه‌های دردناک نقش دارد؛ از این رو، حمایت اجتماعی ادراک‌شده با ایجاد فضای امن، پذیرش و همدلی، هم ابرازگری هیجانی را افزایش می‌دهد و هم به‌طور مستقیم سازگاری مؤثر و رشد پس از آسیب در مردان مطلقه را ارتقا می‌دهد (۳۹).

نتایج دیگر پژوهش نشان داد که بین ابرازگری هیجانی و رشد پس از آسیب رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. این یافته بیانگر آن است که مردانی که احساسات و هیجان‌های خود را آزادانه بیان می‌کنند، در مسیر رشد روان‌شناختی و سازگاری مثبت پس از تجربه طلاق موفق‌تر هستند. این نتیجه با پژوهش‌های ماه<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۲۳) و سیم<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۲۴) که ابرازگری هیجانی را یکی از مکانیسم‌های مؤثر در تقویت رشد پس از آسیب معرفی کرده‌اند همسو است (۴۶، ۴۷). در مقابل، با نتایج پژوهش نیکوگفتار و شورانگیز (۱۴۰۱) که نشان دادند در شرایط خاص، ابراز هیجان می‌تواند با رشد پس از

رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته با مطالعات وو<sup>۱</sup> (۲۰۲۴)، کالتا و مروز<sup>۲</sup> (۲۰۲۳)، نجفی‌زاده و همکاران (۲۰۲۲) و بابازاده نامینی و همکاران (۲۰۲۱) آثاری که بر نقش شبکه‌های حمایتی در تقویت سازگاری روان‌شناختی و رشد فردی پس از تجربه رخدادهای آسیب‌زا تأکید داشته‌اند، همسو است (۹، ۱۰، ۲۰، ۲۱). در عین حال، این یافته با نتایج پژوهش کاتانو و پریرا<sup>۳</sup> (۲۰۲۴) که بیان می‌کنند حمایت اجتماعی ادراک‌شده همیشه منجر به رشد نمی‌شود، ناهمسو است (۳۸). مطابق با نظریه رشد پس از آسیب (۳۹) و مدل شکوفایی از طریق روابط (۱۹)، حمایت اجتماعی به‌عنوان منبعی اساسی برای کاهش پریشانی و تسهیل بازسازی شناختی پس از رویدادهای تنش‌زا عمل می‌کند. در مورد مردان مطلقه که طلاق اغلب با احساس تنهایی، کاهش عزت‌نفس و تردید در هویت همراه است (۵)، ادراک حمایت اجتماعی از طریق دریافت همدلی، راهنمایی و یاری‌های عملی، تجربه تعلق، ارزشمندی و معنا را تقویت می‌کند (۱۳، ۱۵). بنابراین، حمایت اجتماعی ادراک‌شده می‌تواند نقش محوری در ارتقای رشد پس از آسیب در این گروه ایفا کند.

نتایج پژوهش همچنین نشان داد که بین حمایت اجتماعی ادراک‌شده و ابرازگری هیجانی، رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. این یافته بیانگر آن است که هرچه مردان دارای تجربه طلاق حمایت اجتماعی بیشتری دریافت کنند، تمایل و توانایی آن‌ها برای ابراز هیجان‌های خود نیز افزایش می‌یابد. این نتیجه با پژوهش محمدنژاد دوین و همکاران (۲۰۲۴) که نقش حمایت اجتماعی را در تسهیل ابراز هیجان‌های مؤثر دانسته‌اند، همسو است (۴۰) و نیز با پژوهش جوانمردی و همکاران (۱۴۰۳) که رابطه مثبت بین حمایت اجتماعی ادراک‌شده و تحمل پریشانی را گزارش کرده‌اند، نیز همخوانی دارد (۴۱). همچنین این نتیجه با پژوهش پورنقاش تهرانی (۲۰۲۰) که نقش حمایت اجتماعی و فرایندهای تنظیم هیجان را در پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی

<sup>4</sup> Acceptance and Commitment Therapy

<sup>5</sup> Ma

<sup>6</sup> Sim

<sup>1</sup> Wu

<sup>2</sup> Kaleta & Mróz

<sup>3</sup> Caetano & Pereira

ما و همکاران (۲۰۲۳) و رمضان و همکاران (۲۰۲۴) که بر اهمیت حمایت اجتماعی و ابراز هیجانات در رشد مثبت پس از سانحه تأکید کرده‌اند نیز همخوان است (۴۶, ۵۳). حمایت اجتماعی ادراک‌شده با کاهش نگرانی از قضاوت و تقویت احساس پذیرش، بستر مناسبی برای گشودگی هیجانی فراهم می‌آورد و از تداوم سرکوب هیجانی در مردان جلوگیری می‌کند. از دیدگاه پینه‌باکر<sup>۳</sup> (۲۰۱۲)، بیان هیجانات فرایندی فعال برای پردازش شناختی تجربه آسیب‌زا محسوب می‌شود (۴۴) و مطابق نظریه رشد پس از آسیب، این پردازش به بازتفسیر باورها و شکل‌دهی دیدگاه‌های جدید درباره خود، دیگران و جهان می‌انجامد (۳۹). همچنین رویکرد ACT بر این نکته تأکید دارد که پذیرش و بیان تجربه‌های دشوار، مسیر بازگشت فرد به ارزش‌ها و یافتن معنای زندگی را هموار می‌سازد (۴۵). بر این اساس، ابرازگری هیجانی به‌عنوان حلقه‌ای واسط میان حمایت اجتماعی و رشد پس از آسیب عمل کرده و با ایجاد فضای هیجانی امن، فرایند بازسازی شناختی و شکوفایی روان‌شناختی را تسهیل می‌کند.

در جمع‌بندی، نتایج پژوهش نشان داد که رشد پس از آسیب در مردان مطلقه پیامد تعامل هم‌زمان عوامل حمایتی، هیجانی و شناختی است. حمایت اجتماعی ادراک‌شده و ابرازگری هیجانی، هر دو نقش تقویت‌کننده و مثبت در ارتقای رشد پس از آسیب دارند و نقش میانجی‌گرانه ابرازگری هیجانی در پیوند میان حمایت اجتماعی و رشد پس از آسیب نیز مورد تأیید قرار گرفت.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به محدود بودن جامعه آماری به مردان مطلقه شهر بابل، مقطعی بودن طرح پژوهش و در نتیجه ناتوانی در استنتاج روابط علی قاطعی، همچنین مقاومت بخشی از شرکت‌کنندگان به‌واسطه استیگمای فرهنگی مرتبط با طلاق و تأثیر کلیشه‌های جنسیتی بر الگوی پاسخ‌دهی اشاره کرد. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده، مطالعات مشابه در بافت‌های فرهنگی و جغرافیایی متنوع‌تر انجام گیرد؛ از طرح‌های طولی یا آزمایشی برای بررسی روابط علی

آسیب رابطه منفی داشته باشد (۴۲)، و با نتایج استادلی و چانگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) که بیان کردند صرف ابراز هیجان بدون پردازش شناختی کافی الزاماً به رشد منجر نمی‌شود، ناهمسو است (۴۸). از منظر نظریه رشد پس از آسیب، پردازش شناختی-هیجانی تجربه و بازتاب آن از طریق بیان کلامی، به بازسازی باورهای بنیادین، سازمان‌دهی مجدد نظام فکری و ایجاد معنای تازه در زندگی می‌انجامد (۸). بر پایه نظریه ابرازگری هیجانی نیز، سرکوب احساسات می‌تواند به افزایش پریشانی و پیامدهای جسمانی منجر شود؛ در حالی که بیان سالم هیجانات در یک بستر حمایتی، تنظیم هیجان و ترمیم روانی را تسهیل می‌کند (۲۳, ۴۹). همچنین، در چارچوب ACT، پذیرش و ابراز هیجانات، فرد را به ارزش‌های شخصی‌اش نزدیک‌تر کرده و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی او را افزایش می‌دهد (۴۵, ۵۰). بنابراین، ابرازگری هیجانی را می‌توان سازوکار محوری در پردازش روان‌شناختی و شکل‌گیری رشد پس از آسیب دانست؛ فرایندی که با وجود حمایت اجتماعی، حرکت از اجتناب به سوی پذیرش را امکان‌پذیر می‌سازد.

در نهایت نتایج پژوهش نشان داد که ابرازگری هیجانی نقش میانجی معناداری بین حمایت اجتماعی ادراک‌شده و رشد پس از آسیب دارد. این نتیجه بیانگر آن است که حمایت اجتماعی ادراک‌شده نه تنها اثر مستقیم بر رشد پس از آسیب دارد، بلکه از طریق تقویت ابرازگری هیجانی نیز این مسیر را هموار می‌کند. این یافته با نتایج پژوهش لینلی<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۱) که نشان دادند ابرازگری هیجانی در تعامل با هوش هیجانی نقش تعدیل‌کننده بر رشد پس از آسیب دارد و این رابطه در مردان معنادارتر است همسو است (۵۱). همچنین، با پژوهش شعاع کاظمی و همکاران (۲۰۲۵) با رویکرد کیفی تأیید کرد افرادی که پس از طلاق به پذیرش هیجانات، دریافت حمایت و بازسازی فردی پرداختند، رشد و شکوفایی بیشتری را تجربه کردند نیز همسو می‌باشد (۵۲). همچنین این یافته با پژوهش‌های

<sup>۱</sup> Studley & Chung

<sup>۲</sup> Linley

<sup>۳</sup> Pennebaker

### موازن اخلاقی

پژوهش با اخذ مجوز از معاونت پژوهشی دانشکده علوم و فناوری‌های پزشکی دانشگاه علوم و تحقیقات و دریافت کد اخلاق IR. IAU. SRB. REC. 1404. 135 انجام شد. تمامی اصول اخلاقی در هر مرحله رعایت گردید.

### تشکر و قدردانی

پژوهش حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی در دانشکده علوم و فناوری‌های پزشکی دانشگاه علوم و تحقیقات است. از شرکت‌کنندگان و اساتید ارجمند سپاس‌گزاری می‌نمایم.

### تعارض منافع

نویسندگان مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی گزارش نمی‌کنند.

بهره گرفته شود؛ ابزارهای گردآوری داده به صورت غیرحضوری یا آنلاین برای کاهش مقاومت نمونه‌ها مورد استفاده قرار گیرد؛ و نقش هنجارهای فرهنگی و باورهای جنسیتی در ابرازگری هیجانی مردان مطلقه به طور اختصاصی بررسی شود. از منظر کاربردی، یافته‌ها ضرورت اجرای مداخلات روان‌شناختی با هدف تقویت حمایت اجتماعی و ارتقای مهارت‌های ابرازگری هیجانی را برجسته می‌کند. بر این اساس، طراحی کارگاه‌های افزایش حمایت اجتماعی برای مردان مطلقه، برنامه‌های آموزشی در حوزه ابرازگری هیجانی و پذیرش هیجان، مداخلاتی با هدف کاهش استیگمای فرهنگی طلاق از طریق رسانه و آموزش عمومی، توسعه خدمات روان‌شناختی حمایتی ویژه این گروه، و ادغام مؤلفه‌های حمایت، بیان هیجان و کاهش اجتناب در برنامه‌های مداخله‌ای پس از طلاق توصیه می‌شود.

### References

1. Lin IF, Brown SL, Mellencamp KA. Gray divorce and parent-child disconnectedness: Implications for depressive symptoms. *Journal of Marriage and Family*. 2024;86(1):95-110.
2. Buyukkececi Z, Leopold T. Parent-child relationships following gray divorce: Stronger ties with mothers, weaker ties with fathers. *The Journals of Gerontology, Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*. 2024;79(5):gbae004.
3. Slanbekova G, Chung MC, Abildina S, Sabirova R, Kapbasova G, Karipbaev B. The impact of coping and emotional intelligence on the relationship between posttraumatic stress disorder from past trauma, adjustment difficulty, and psychological distress following divorce. *Journal of Mental Health*. 2017;26(4):334-41.
4. Farahani HS, Sadeghi MS, Mootabi F, Ahmadi F, Bigham Z. Coping with divorce in men: a scoping review. *Iranian Journal of Health Psychology*; Vol. 2023;6(3).
5. Rizwan J, Gafoordeen N. Divorce among the Kandyan Muslims in Sri Lanka. *Muallim Journal of Social Sciences and Humanities*. 2021:12-21.
6. Joseph S. What doesn't kill us: The new psychology of posttraumatic growth: Basic Books (AZ); 2013.
7. Pollari CD, Brite J, Brackbill RM, Gargano LM, Adams SW, Russo-Netzer P, et al. World trade center exposure and posttraumatic growth: assessing positive psychological change 15 years after 9/11. *International journal of environmental research and public health*. 2021;18(1):104.
8. Tedeschi RG, Moore BA. Posttraumatic growth as an integrative therapeutic philosophy. *Journal of Psychotherapy Integration*. 2021;31(2):180.
9. Kaleta K, Mróz J. Posttraumatic growth and subjective well-being in men and women after divorce: The mediating and moderating roles of self-esteem. *International journal of environmental research and public health*. 2023;20(5):3864.
10. Najafzadeh A, khodabakhsh pirkalani R, Farah Bidjari A. Explanation of factors influencing post-traumatic growth of divorced women: A research based on grounded theory. *Journal of Psychological Science*. 2022;21(112):693-708.
11. Lei S, Zhang Y, Yang F. Impact of gratitude on posttraumatic growth in patients with coronary stent implantation: the mediating role of resilience and perceived social support. *Frontiers in Public Health*. 2025;13:1513861.
12. Berg M, Lin L, Beebe J, Ondrasek H. Social support and resilience as moderators of the relationship between COVID-19 pandemic-related trauma and posttraumatic growth in US adults. *Journal of Happiness and Health*. 2025;5(1):1-6.
13. Kim H, Son H. Moderating effect of posttraumatic growth on the relationship between social support and quality of life in colorectal cancer patients with ostomies. *Cancer nursing*. 2021;44(3):251-9.

14. Xiao H, Zhang Y, Kong D, Li S, Yang N. The effects of social support on sleep quality of medical staff treating patients with coronavirus disease 2019 (COVID-19) in January and February 2020 in China. *Medical science monitor: international medical journal of experimental and clinical research*. 2020;26:e923549-1.
15. Tan CS, Chin XY, Chng STC, Lee J, Ooi CS. Perceived social support increases creativity: experimental evidence. *International Journal of Environmental Research and Public Health*. 2022;19(18):11841.
16. Najari M. Determining the Eeffect Size of Perceived Social Support and Adjustment to School in Predicting Academic Burnout of Male Students. *Journal of new paradigma idea*. 2024;3(2):249-61.
17. Jenaabadi H, Nastiezaie N, Marziyeh A. The Role of Perceived Social Support and Feelings of Social-Emotional Loneliness in Addiction Relapse (Case Study: Self-Referrred Addicts to Drug Rehab Centers in Zahedan). 2018.
18. Momeni KM, Karami J, Afroz G. Predictors the quality of life and psychological well-being of mothers of students with intellectual disability mediated by the mother's perceived social support. *Journal of psychologicalscience*. 2021;20(104):1345-61.
19. Feeney BC, Collins NL. A new look at social support: A theoretical perspective on thriving through relationships. *Personality and social psychology review*. 2015;19(2):113-47.
20. Wu A. The relationship of social support to posttraumatic growth in COVID-19 among college students after experiencing campus lockdown: the effects of belief in a just world and meaning in life. *Frontiers in Psychiatry*. 2024;15:1337030.
21. Babazadeh Namini S, Elahi SA, Seirafi MR, Sabet M, Azadeh P. Predicting post-traumatic growth inventory (PTGI) based on the perceived social support; the mediating role of resilience in women with breast cancer: A structural equation modeling approach. *Iranian Journal of Health Education and Health Promotion*. 2021;9(2):172-86.
22. Nosrattalab Haghi A, Bakshipour A. Prediction of emotional divorce based on attributional styles and emotional expression in married women. *Applied Research in Consulting*. 2022;5(2):59-78.
23. King LA, Emmons RA. Conflict over emotional expression: psychological and physical correlates. *Journal of personality and social psychology*. 1990;58(5):864.
24. Zeinali Siyavashani E, Dehghan M. Role of Emotional Expression and Emotion Regulation in Post-Traumatic Growth in People with Cancer and Multiple Sclerosis: According to the Moderating role of Illness Type. *Navid No*. 2021;24(78):42-53.
25. Pournaghash Tehrani SS, Mortazavifar s, Mortazavifar S. The effect of social support and emotion regulation strategies on predicting the mental health of people with multiple sclerosis. *Journal of Psychological Science*. 2020;19(89):529-39.
26. Saboohi Golkar Z, Afrasiabi H. The Decision-Making Process of Men Applying for Divorce: A Narrative Perspective. *Strategic Research on Social Problems*. 2024;13(2):1-22.
27. Bahrani F, Boland H, Sayadi A. Post Traumatic Growth Model in Divorced Women. *Middle Eastern Journal of Disability Studies*. 2019;9(1):127-.
28. Olliffe JL, Kelly MT, Gonzalez Montaner G, Seidler ZE, Kealy D, Ogrodniczuk JS, et al. Mapping men's mental health help-seeking after an intimate partner relationship break-up. *Qualitative Health Research*. 2022;32(10):1464-76.
29. Bahonar F, Etemadi O, Salehi K. Dimensions of Post-Traumatic Growth Resulting from Parental Divorce among Young Iranian Women. *Journal of Loss and Trauma*. 2024;29(2):179-201.
30. Cohen J. *Statistical power analysis for the behavioral sciences*. (No Title). 1988.
31. Tedeschi RG, Calhoun LG. The Posttraumatic Growth Inventory: Measuring the positive legacy of trauma. *Journal of traumatic stress*. 1996;9:455-71.
32. Mahmoudi SJ, Rahimi CH, Mohammadi N. Psychometric properties of posttraumatic growth inventory in an Iranian sample. *Psychological Models and Methods*. 2013;3(12):93-108.
33. Zimet GD, Dahlem NW, Zimet SG, Farley GK. The multidimensional scale of perceived social support. *Journal of personality assessment*. 1988;52(1):30-41.
34. Edwards LM. Measuring perceived social support in Mexican American youth: Psychometric properties of the multidimensional scale of perceived social support. *Hispanic journal of behavioral sciences*. 2004;26(2):187-94.
35. Jokar ASB, Nikpoor R, M.A. Internet and Communication: Perceived social support and loneliness as antecedent variables. *Quarterly Journal of Psychological Studies*. 2010;5(3):81-.
36. Kring AM, Smith DA, Neale JM. Individual differences in dispositional expressiveness: development and validation of the Emotional Expressivity Scale. *Journal of personality and social psychology*. 1994;66(5):934.
37. Tabatabaei M, Memarian S, Ghiasi M, Atari A. Emotion expression styles and meta cognitive beliefs in individuals with major depressive disorder. *Journal of Research in Behavioural Sciences*. 2013;11(5):342-51.
38. Caetano S, Pereira H. The Mediating Effect of Post-Traumatic Growth on the Relationship between Adverse Childhood Experiences and Psychological Distress in Adults. *Social Sciences*. 2024;13(5):262.
39. Tedeschi RG, Calhoun LG. " Posttraumatic growth: conceptual foundations and empirical evidence". *Psychological inquiry*. 2004;15(1):1-18.

40. Mohammadnezhad Devin A, Elahi M, Mohammadi Kashka S, Nasseri A. Investigating the relationship between Emotional Expressiveness and Experiential Avoidance with the mediation of Social Competence in students with generalized anxiety disorder. *Journal of Exceptional Education (J Except Educ)*. 2024;6(178):33–44.
41. Javanmardi F, Shafi Abadi A, Poshaneh K. The Prediction of distress tolerance model in the elderly based on perceived support, experiential avoidance and spiritual intelligence with the mediating role of mindfulness. *The Women and Families Cultural-Educational Journal*. 2024;19(66):283–310.
42. Pournaghash TSS, Mortazavifar S, Mortazavifar S. The effect of social support and emotion regulation strategies on predicting the mental health of people with multiple sclerosis. 2020.
43. Nikoogoftar M, Shoorangiz K. Developing a Post-Traumatic Growth Model Based on Emotional Schemas among Women Mourning the Death of Their Spouse Due to Corona Disease: The Mediating Role of Self-Compassion. *Positive Psychology Research*. 2023;9(2):83–102.
44. Pennebaker JW. *Opening up: The healing power of expressing emotions*: Guilford Press; 2012.
45. Hayes SC, Strosahl KD, Wilson KG. *Acceptance and commitment therapy: The process and practice of mindful change*: Guilford press; 2011.
46. Ma X, Wan X, Chen C. Corrigendum: The correlation between posttraumatic growth and social support in people with breast cancer: A meta-analysis. *Frontiers in Psychology*. 2023;14:1129481.
47. Sim J-C, Cha S-K, Im S-Y. Mediating mechanism of posttraumatic growth as buffers of burnout and PTSD among nurses during the COVID-19 pandemic. *Frontiers in Public Health*. 2024;12:1406514.
48. Studley B, Chung MC. Posttraumatic stress and well-being following relationship dissolution: Coping, posttraumatic stress disorder symptoms from past trauma, and traumatic growth. *Journal of Loss and Trauma*. 2015;20(4):317–35.
49. Piesman M. *The Effect of Relationship Quality and Partner Responsiveness on Ambivalence over Emotional Expression in Romantic Relationships*: Fairleigh Dickinson University; 2022.
50. He H, Yue F, Hu M. Experiential avoidance and childhood trauma in people diagnosed with schizophrenia in remission: a mediational analysis. *Cogent Psychology*. 2025;12(1):2432756.
51. Linley PA, Felus A, Gillett R, Joseph S. Emotional expression and growth following adversity: Emotional expression mediates subjective distress and is moderated by emotional intelligence. *Journal of Loss and Trauma*. 2011;16(5):387–401.
52. Shoa Kazemi M, Farahani Z, Yadollahi M, Nazifi Z. Phenomenological analysis of positive dimensions of growth after divorce in divorced women in Tehran. *Clinical Psychology and Personality*. 2025.
53. Ramadhan MR, Ginanjar AS, Djuwita E. Post Traumatic Growth in Early Adults from Divorced Families. *Analitika: Jurnal Magister Psikologi UMA*. 2024;16(1):11–22.

*Original Article***Modeling Posttraumatic Growth Based on Perceived Social Support: The Mediating Role of Emotional Expression in Men with Divorce Experience**

Received: 06/08/2025 - Accepted: 14/10/2025

Seydeh Nafiseh Mohseni Mansour<sup>1</sup>  
 Noshirvan Khezri Moghadam<sup>2\*</sup>  
 Seydeh Hakimeh Mousavi<sup>†</sup>

<sup>1</sup> M.A., Department of Clinical Psychology, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

<sup>2</sup> Associate Professor, Department of Clinical Psychology, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

<sup>†</sup> Assistant Professor, Department of Clinical Psychology, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Email: Khezri@srbiau.ac.ir

**Abstract**

**Introduction:** Divorce is considered one of the most stressful life events and is associated with extensive psychological and social consequences, particularly for men. Therefore, the present study aimed to model posttraumatic growth based on perceived social support with the mediating role of emotional expression in men with divorce experience.

**Methods:** The present study was descriptive-correlational in design. The statistical population consisted of men with divorce experience living in Babol city in 2025, from whom 242 participants were selected using purposive sampling. Data were collected using the Posttraumatic Growth Inventory (Tedeschi & Calhoun, 1996), the Multidimensional Scale of Perceived Social Support (Zimet et al., 1988), and the Emotional Expressiveness Questionnaire (King & Emmons, 1990). Data analysis was conducted using Pearson correlation coefficients and path analysis through statistical software.

**Results:** The results indicated that perceived social support had a significant positive effect on emotional expression ( $\beta = 0.38, P < 0.01$ ). Emotional expression positively predicted posttraumatic growth ( $\beta = 0.18, P < 0.01$ ), and perceived social support also had a significant direct positive effect on posttraumatic growth ( $\beta = 0.57, P < 0.01$ ).

**Conclusion:** The findings of the path analysis demonstrated that emotional expression plays a significant mediating role in the relationship between perceived social support and posttraumatic growth, and the proposed model showed an acceptable fit. These findings highlight the importance of social support and emotional expression in the process of psychological adjustment and the promotion of posttraumatic growth in men with divorce experience.

**Keywords:** Posttraumatic growth; Perceived social support; Emotional expression; Men with divorce experience